

اضطراب و افسردگی نوجوانان دختر بر اساس شیوه‌های فرزندپروری پدر و مادر

محمد مهدی شیرزادی، سارا کلانتری میبیدی و محمد یاسین سیفی گندمانی^۳

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۲/۹/۶

تاریخ دریافت مقاله: ۹۲/۷/۱

چکیده

مقدمه: شیوه‌های متفاوت فرزندپروری پدر و مادر با سلامت نوجوانان مرتبط است. هدف پژوهش حاضر، مقایسه‌ی اضطراب و افسردگی نوجوانان دختر بر اساس شیوه‌های فرزندپروری پدر و مادر بود.

روش: روش پژوهش علی-مقایسه‌ای بود. یک نمونه‌ی ۳۹۶ نفری از دانش‌آموزان دبیرستان‌های دخترانه شهر اصفهان در سال تحصیلی ۸۹-۸۸ به صورت خوشه‌ای انتخاب شدند. آنان پرسشنامه‌های شیوه‌ی فرزندپروری و مقیاس‌های اضطراب و افسردگی بک را تکمیل نمودند. با در نظر گرفتن شیوه‌ی فرزندپروری پدر و مادر، سنخ فرزندپروری خانواده استخراج شد و میزان اضطراب و افسردگی نوجوانان در سنخ‌های مختلف با روش تحلیل واریانس یک راهه مورد مقایسه قرار گرفت.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد که داشتن حداقل یک والد مقتدر، یا پدر و مادر هردو آسان‌گیر، اضطراب و افسردگی پایین و بی‌اعتنایی هردو والد، اضطراب و افسردگی بالای نوجوانان را به همراه دارد. همچنین در فرزندپروری‌های دربرگیرنده‌ی یک والد بی‌اعتنا، بی‌اعتنایی مادر افزایش اضطراب و افسردگی نوجوانان را به دنبال دارد.

نتیجه‌گیری: افسردگی و اضطراب پایین‌تر، حاصل کنترل مطلوب هردو والد یا حداقل یکی از آنها بر نوجوان است؛ در حالی که پیامدهای نامطلوب، حاصل حداقل کنترل و یا تضاد آشکار پدر و مادر است.

کلیدواژه‌ها: سنخ‌شناسی، شیوه‌ی فرزندپروری خانواده، اضطراب، افسردگی، نوجوانان

شیوه‌ی ارجاع‌دهی به این مقاله: شیرزادی، محمد مهدی، کلانتری میبیدی، سارا، و سیفی گندمانی، محمد یاسین. (۱۳۹۲). اضطراب و افسردگی نوجوانان دختر بر اساس شیوه‌های فرزندپروری پدر و مادر. دوفصلنامه‌ی روانشناسی بالینی کودکان و نوجوان. ۸۷-۱۰۲: (۱).

۱. نویسنده‌ی مسئول: کارشناس ارشد روانشناسی، دانشگاه پیام نور واحد بروجن

(Mshirzadi1367@Gmail.com)

۲. کارشناس ارشد روانشناسی، دانشگاه پیام نور، واحد بروجن

۳. دانشجوی دکتری روانشناسی و عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور

مقدمه

خانواده، نقش اساسی در حفظ سلامت روانی، اجتماعی و جسمانی نوجوانان دارد. خانواده، اولین و مهم‌ترین بافت اجتماعی را برای رشد نوجوان فراهم می‌سازد. در جریان رشد طبیعی، هر نوجوان یک رشته تغییرات شناختی، عاطفی و اجتماعی را شاهد می‌باشد که تقریباً همه‌ی نوجوانان در طول رشد و در جریان سازگاری با این تغییرات دچار مشکلات عدیده‌ای می‌شوند. از جمله‌ی این تغییرات، اضطراب و افسردگی است که می‌تواند به مشکلات رفتاری-عاطفی و یادگیری در آن‌ها بیانجامد. اکثر مشکلات رفتاری نوجوانان حاصل شرایط پیچیده بین فردی اعضای خانواده به‌ویژه والدین می‌باشد. به عبارت دیگر، وجود مشکلات رفتاری نوجوان به منزله‌ی روابط معیوب اعضای خانواده با یکدیگر است و با روش‌های تربیتی نادرست والدین و تعاملات غیرصحیح آن‌ها با فرزندان ارتباط دارد (آنجلا و آندریا، ۲۰۱۲).

برخی پژوهش‌ها، سبک فرزندپروری هم پدر و هم مادر را ارزیابی کرده‌اند، اما تنها خانواده‌هایی را وارد تحلیل کرده‌اند که پدر و مادر، شیوه‌های مشابهی در فرزندپروری داشته‌اند (سیمونس و کانگر، ۲۰۰۷). در پژوهشی، این یافته بدست آمد که سبک فرزندپروری، چهار بعد زیر را شامل می‌شود: سبک فرزندپروری آسان‌گیر که دارای سطح بالای بعد پذیرش و سطح پایین کنترل می‌باشد؛ سبک فرزند پروری بی‌اعتنا که هر دو بعد دارای سطوح پایین می‌باشند؛ سبک فرزند پروری مقتدر که دارای سطوح بالا در هر دو بعد است و در آخر سبک فرزندپروری سلطه‌گر که دارای سطح بالای کنترل و سطح پایین پذیرش می‌باشد (بولاندا، ۲۰۰۴؛ گریویس، ۲۰۱۱). در پژوهش دورنبوش (۱۹۸۷) اگر خانواده‌ای

1. Angela & Andrea

2. Simons & conger

3. Bulanda

در یک شیوه‌ی خاص نمره‌ی بالا (یک سوم بالا) می‌گرفت، اما در دو شیوه‌ی دیگر در یک سوم بالا قرار نمی‌گرفت، به عنوان فرد دارای شیوه‌ی فرزندپروری خالص تلقی می‌شد و سایر خانواده‌ها دارای شیوه‌ی متغیر قلمداد می‌شدند. از آنجا که فرزندان خانواده‌ای دارای سبک متغیر میانگین پایین تری در عملکرد تحصیلی داشتند، لذا نتیجه گرفته شد که داشتن شیوه‌ی خالص بهتر است (دورنبوش، ریتز، لایدرمن، روبرتس و فرالیچ، ۱۹۸۷). متأسفانه این پژوهش، این احتمال را که یک شیوه‌ی متغیر ترکیبی میان پدر و مادر می‌تواند مؤثرتر از یک شیوه‌ی خالص باشد را به حساب نیاورده است و همچنین از اثرات محافظتی شیوه‌های متغیر غافل بوده است. به عنوان مثال، تأثیر مثبت یک والد مقتدر می‌تواند کودک را از آثار منفی سبک والد دیگر حفظ کند. در پژوهش دیگری، شیوه‌های فرزندپروری خانواده با محاسبه‌ی میانگین امتیازات پدر و مادر شناسایی شد. به عنوان نمونه، اگر یک والد، مستبد و دیگری آزادگذار بود، شیوه‌ی فرزندپروری کل خانواده را مقتدر به حساب می‌آوردند (استینبرگ، لامبرن، دورنبوش و دارلینگ، ۱۹۹۴). این رویکرد نیز نمی‌تواند پاسخگوی ابهامات موجود در مورد پیامدهای فرزندپروری متفاوت والدین بر روی فرزندان باشد.

پژوهش‌های متعددی نشان داده‌اند که پدران و مادران در طیف وسیعی از ویژگی‌های لازم برای فرزندپروری باهم متفاوتند. به عنوان مثال، تفاوت میان پدران و مادران در مدت زمانی که با نوجوانان خود سپری می‌کنند کاملاً مستند و روشن است؛ پدران در قیاس با مادران وقت کمتری را به فرزندانشان اختصاص می‌دهند (لیویس و لامب، ۲۰۰۳؛ رنک، روبرتس، رودنبری، لویک، هیلهوس و میهن،

1. Greaves

2. Dornbush

3. Ritter, Liederman, Roberts & Fraleigh

4. Steinberg, Lamborn, Dornbush & Darling

5. Lewis & Lamb

۲۰۰۳). بولاندا (۲۰۰۴) و ساباتینی و لیپر^۱ (۲۰۰۴) معتقدند پدران با دیدگاه سنتی، نسبت به پدران آزاداندیش کمتر در امور فرزندپروری دخالت می‌کنند. به طور کلی مادران تمایل بیشتری به گرمی، حمایت و داشتن روابط نزدیک با فرزندانشان دارند. همچنین مادران بیشتر از شیوه‌ی مقتدرانه سود می‌برند، درحالیکه پدران در پرورش فرزندان پسر از شیوه‌ی مقتدرانه و درباره‌ی فرزندان دختر از شیوه‌ی مستبدانه استفاده می‌کنند (لایبل و کارلو،^۲ ۲۰۰۴). این یافته‌ها حاکی از آن است که پدران و مادران لزوماً از سبک مشابهی پیروی نمی‌کنند و تنها سبک فرزندپروری مادر، نمی‌تواند نماینده‌ی کل خانواده باشد.

محیط خانواده و شیوه‌های فرزندپروری، نتایج مهمی را در رشد روانی-اجتماعی فرزندان به بار می‌آورد (شاک اسمیت، هندری و گلیندینینگ^۳، ۱۹۹۵). افسردگی کودکان و نوجوانان، یکی از نابهنجاری‌هایی است که تعاملات منفی والد-فرزند در شکل‌گیری آن نقش مهمی ایفا می‌کند (لان-لین^۴، ۲۰۰۳). همچنین پژوهشگران معتقدند میان شیوه‌های فرزندپروری با ویژگی اضطراب در کودکان و نوجوانان ارتباط معناداری وجود دارد (دیسون و رنک^۵، ۲۰۰۶). با توجه به آنچه گفته شد و با در نظر گرفتن نقش بی‌بدیل تعاملات خانواده بویژه سنخ‌های فرزندپروری والدین در پیامدهای بلندمدتی که گاه تا پایان عمر به همراه فرد خواهد بود، بررسی تأثیر شیوه‌ی فرزندپروری خانواده بر مؤلفه‌های مختلف شخصیتی، روانی و اجتماعی فرزندان امری بسیار مهم و ضروری به نظر می‌رسد. با توجه به پیشینه‌ی موجود، بررسی تأثیر شیوه‌های فرزندپروری متفاوت پدر و مادر بر

1. Renk, Roberts, Roddenberry, Luick, Hillhouse & Meehan

2. Sabattini & Leaper

3. Laibel & Carlo

4. Shucksmith, Hendry & Glendinning

5. Lan-Lin

6. Dyson & Renk

نوجوانان ضروری به نظر می‌رسد که این پژوهش، اضطراب و افسردگی نوجوانان را به عنوان دو پیامد شیوه‌های فرزندپروری بررسی نموده است. به طور کلی در پژوهش حاضر سعی بر پاسخ به این سؤال است: «کدام یک از سنخ‌های فرزندپروری، پیامدهای مطلوب تری را از نظر متغیرهای اضطراب و افسردگی برای فرزندان به دنبال دارد؟».

روش

با توجه به ماهیت موضوع پژوهش و با توجه به این که هدف پژوهش حاضر بررسی مقایسه‌ی افسردگی و اضطراب نوجوانان در میان شیوه‌های مختلف فرزندپروری بوده است، در این پژوهش از روش تحقیق علی-مقایسه‌ای استفاده شده است.

شرکت کنندگان در تحقیق: نمونه‌ی این پژوهش با استفاده از جدول مورگان کرجسی، از بین دانش‌آموزان سال دوم و سوم دبیرستان‌های دخترانه‌ی دولتی شهر اصفهان در سال تحصیلی ۸۹-۸۸ (که با هر دو والد خود زندگی می‌کردند) به صورت خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند؛ بدین صورت که ابتدا از بین ۵ ناحیه‌ی آموزش و پرورش اصفهان، ۳ ناحیه به صورت تصادفی انتخاب شد. در مرحله‌ی دوم، به صورت تصادفی از هر ناحیه، ۵ دبیرستان انتخاب گردید. لذا از بین تمام دانش‌آموزان کلاس‌های دوم و سوم ۴۲۲ دانش‌آموز به صورت تصادفی انتخاب شدند. در پایان، به دلیل اینکه ۲۶ نفر به پرسشنامه‌ها پاسخ ناقص داده بودند، تحلیل نهایی بر روی ۳۹۶ دانش‌آموز صورت گرفت.

ابزارهای گردآوری داده‌ها: برای جمع‌آوری داده‌ها از ابزارهای زیر

استفاده شد:

الف) پرسشنامه‌ی اصلاح شده‌ی شیوه‌های فرزندپروری شفر: این

پرسشنامه دارای ۷۷ گویه است که از شماره‌های ۱ تا ۴۲ آن بُعد محبت و ۴۳ تا ۷۷ بُعد کنترل را می‌سنجد. پاسخ‌ها بر روی مقیاس لیکرتی از ۱ تا ۵ نمره دریافت می‌کنند. لذا هر فرد در بعد محبت بین ۴۲ تا ۲۱۰ و در بعد کنترل از ۳۵ تا ۱۷۵ نمره می‌گیرد. پایایی دو آزمون شیوه‌ی فرزندپروری پدر و مادر براساس ضریب آلفای کرونباخ به ترتیب ۰/۸۶ و ۰/۹۱ می‌باشد. همچنین پایایی بازآزمایی این دو آزمون به ترتیب ۰/۶۹ و ۰/۷۳ بدست آمد، که همه‌ی مقادیر آن در سطح $p < 0/01$ معنادار بودند. روایی همزمان این دو مقیاس نیز به ترتیب ۰/۷۹ و ۰/۷۱ می‌باشد (نقل از سیفی گندمانی و همکاران، ۱۳۸۸). این پرسشنامه برای مادران و پدران به طور جداگانه نمره گذاری شد و بر اساس نمره‌ی بدست آمده در دو بعد پذیرش و کنترل سبک فرزندپروری هریک از والدین شناسایی گردید (سیفی گندمانی و همکاران، ۱۳۸۸)؛ بدین صورت که افرادی که در دو بعد کنترل و پذیرش بالاتر از میانگین بودند، در گروه مقتدر یا دموکرات، افرادی که در هر دو بعد پایین‌تر از میانگین بودند، به عنوان افراد بی‌اعتنا، افرادی که نمره‌ی کنترل کمتر از میانگین ولی پذیرش بالای میانگین داشتند، به عنوان سهل‌گیر و کسانی که کنترل بالاتر از میانگین و پذیرش پایین‌تر از میانگین داشتند، در گروه مستبد قرار گرفتند.

ب) مقیاس افسردگی بک: جهت سنجش افسردگی نوجوانان، از مقیاس

افسردگی بک استفاده شد که دارای ۲۱ گروه جمله است. هر گروه، نمره‌ای از صفر تا ۳ کسب می‌کند. لذا مجموع امتیازات بین صفر تا ۶۳ متغیر است (کاوایانی، موسوی و محیط، ۱۳۸۰). روایی همزمان این مقیاس ۰/۷۹ و پایایی بازآزمایی آن ۰/۶۷ گزارش شده است (بک و کلارک، ۱۹۸۸). در فرهنگ ایرانی نیز پایایی این مقیاس از طریق ضریب همسانی درونی براساس آلفای کرونباخ ۰/۸۴ و همبستگی حاصل از روش دونیمه‌سازی گویه‌های زوج و فرد ۰/۷ گزارش شده است (گودرزی، ۱۳۸۱).

ج) مقیاس اضطراب بک: جهت سنجش میزان اضطراب نوجوانان از مقیاس اضطراب بک استفاده شد که دارای ۲۱ گروه جمله است. هر گروه نمره‌ای از صفر تا ۳ کسب می‌کند. لذا مجموع امتیازات بین صفر تا ۶۳ متغیر است (کاویانی، موسوی و محیط، ۱۳۸۰). همسانی درونی این مقیاس ۰/۹۲ و پایایی بازآزمایی آن ۰/۷۵ گزارش شده است (بک و کلارک، ۱۹۸۸). پایایی این آزمون در ایران با روش آلفای کرونباخ برابر ۰/۷۸ گزارش شده و روایی مطلوبی نیز به دست آمده است (کاظمی، ۱۳۸۲).

روند اجرای پژوهش: پس از مشخص شدن نمونه‌ی پژوهش، ابتدا پرسشنامه‌ی شیوه‌های فرزندپروری توسط والدین تکمیل شد و سپس نیمی از نوجوانان، ابتدا پرسشنامه‌ی سبک فرزندپروری و سپس با فاصله ۳ تا ۵ روز، مقیاس اضطراب و افسردگی را تکمیل نمودند؛ نیمی دیگر به شیوه‌ی عکس مورد آزمون قرار گرفتند. جهت کنترل اثرات تقدم و تأخر، در نیمی از موارد ابتدا پرسشنامه‌ی افسردگی و در نیم دیگر مقیاس اضطراب ارائه می‌شد. هم والدین و هم نوجوانان از شرکت در پژوهش رضایت داشتند. در نهایت، داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از تحلیل واریانس یک راهه و آزمون تعقیبی شفه و با نرم افزار SPSS تجزیه و تحلیل شد.

یافته‌ها

جهت تحلیل یافته‌های پژوهش، پس از ترکیب شیوه‌ی فرزندپروری پدر و مادر، سنخ (تیپولوژی) فرزندپروری خانواده استخراج شد. با توجه به وجود چهار شیوه‌ی اصلی، ۱۶ ترکیب محتمل وجود داشت که فراوانی هر کدام از ترکیب‌ها یا سنخ‌های فرزندپروری خانواده در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱. فراوانی سنخ‌های ۱۶ گانه فرزندپروری خانواده‌های دانش‌آموزان مورد مطالعه
(ترکیب سبک فرزندپروری پدر و مادر)

سنخ فرزندپروری	فراوانی	درصد فراوانی	سنخ فرزندپروری	فراوانی	درصد فراوانی
مادر (AV) / پدر (AV)	۱۱۹	۳۰/۱	مادر (I) / پدر (AV)	۲۵	۶/۳
مادر (AV) / پدر (AN)	۳۰	۷/۶	مادر (I) / پدر (AN)	۱۴	۳/۵
مادر (AV) / پدر (I)	۱۳	۳/۳	مادر (I) / پدر (I)	۲۱	۵/۳
مادر (AV) / پدر (U)	۱۱	۲/۸	مادر (I) / پدر (U)	۱۴	۳/۵
مادر (AN) / پدر (AV)	۲۹	۷/۳	مادر (U) / پدر (AV)	۸	۲
مادر (AN) / پدر (AN)	۴۴	۱۱/۱	مادر (U) / پدر (AN)	۵	۱/۳
مادر (AN) / پدر (I)	۵	۱/۳	مادر (U) / پدر (I)	۱۳	۳/۳
مادر (AN) / پدر (U)	۶	۱/۵	مادر (U) / پدر (U)	۳۹	۹/۸
			مجموع	۳۹۶	۱۰۰

علامت اختصاری AV: مقتدر، علامت اختصاری AN: مستبد، علامت اختصاری I: سهل‌گیر، علامت اختصاری U: بی‌اعتنا.

همانگونه که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، بیشترین فراوانی با ۱۱۹ مورد مربوط به سنخی است که پدر و مادر هر دو مقتدر می‌باشند. نکته‌ی قابل ذکر این که بیش از نیمی از موارد، سنخ‌هایی را شامل می‌شود که پدر و مادر شیوه‌ی مشابهی را اتخاذ نموده‌اند و ۱۲ سنخ باقی‌مانده کمتر از نیمی از موارد را تشکیل می‌دهد. با توجه به اینکه همه‌ی ترکیبات ممکن، فراوانی لازم را جهت ورود به تحلیل نداشته‌اند، تنها سنخ‌هایی وارد تحلیل شدند که حداقل ۱۵ مورد از آن در نمونه یافت شده بود. بنابراین ۷ سنخ وارد تحلیل شدند و نمرات پرسشنامه‌های افسردگی و اضطراب بک مربوط به فرزندان خانواده‌های دارای این سنخ‌ها مورد مقایسه قرار گرفت. این سنخ‌ها عبارتند از: مادر (AV) / پدر (AV)، مادر (I) / پدر (AV)، مادر (AN) / پدر (AN)، مادر (AV) / پدر (AN)، مادر (AN) / پدر (AN)، مادر (I) / پدر (I)، مادر (U) / پدر (U)، مادر (U) / پدر (U). جهت مقایسه‌ی نمرات اضطراب و افسردگی نوجوانان از تحلیل واریانس یک طرفه (ANOVA) و آزمون تعقیبی شفه استفاده

شد.

جدول ۲. میانگین و انحراف معیار نمرات اضطراب و افسردگی شرکت‌کنندگان در تحقیق بر حسب سنخ‌های فرزندپروری مادر و پدر

افسردگی		اضطراب		تعداد	سنخ‌های فرزندپروری خانواده
انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین		
۵/۰۱	۶/۶۲	۶/۱۲	۷/۴۵	۱۱۹	مادر (AV) / پدر (AV)
۷/۱۰	۱۷/۸۴	۶/۲۵	۱۲/۰۲	۲۵	مادر (I) / پدر (AV)
۷/۱۲	۱۳/۸۳	۷/۶۰	۱۱/۰۶	۲۹	مادر (AN) / پدر (AV)
۵/۶۳	۱۱/۹۳	۶/۶۰	۹/۷۷	۳۰	مادر (AV) / پدر (AN)
۷/۱۹	۲۰/۹۰	۵/۳۲	۱۴/۰۵	۲۱	مادر (I) / پدر (I)
۷/۷۶	۲۵/۰۷	۸/۰۶	۱۶/۰۳	۴۴	مادر (AN) / پدر (AN)
۷/۴۱	۳۳/۹۰	۵/۰۴	۱۸/۱۴	۳۹	مادر (U) / پدر (U)
۶/۷۴	۱۵/۸۲	۶/۴۲	۱۲/۶۴	۳۰۷	مجموع

جدول ۳. تحلیل واریانس یک طرفه برای مقایسه‌ی نمرات اضطراب نوجوانان در ۷ سنخ فرزندپروری

p	F	میانگین مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	منابع تغییرات
۰/۰۰۱	۲۹۸/۸۶	۷۸۷/۷۵	۶	۴۷۲۶/۵۴	بین گروهی
		۲/۶۳	۳۰۰	۷۹۰/۷۶	درون گروهی
			۳۰۶	۵۵۱۷/۳۰	مجموع

نتایج حاصل از تحلیل واریانس یک طرفه، جهت مقایسه‌ی نمرات اضطراب نوجوانان نشان می‌دهد که میان گروه‌های مورد بحث تفاوت معناداری وجود دارد ($p < ۰/۰۱$; $F_{(۶,۳۰۰)} = ۲۹۸/۸۶$). برای بررسی دقیق میانگین‌ها از آزمون تعقیبی شفه استفاده شد. نتایج حاصل از آزمون تعقیبی شفه نشان می‌دهد که میزان اضطراب نوجوانان در حالتی که خانواده دارای سنخ فرزندپروری مادر مقتدر (AV) / پدر مقتدر (AV) باشد، به طور معناداری کمتر از میزان اضطراب نوجوانان خانواده‌های

با سنخ‌های مادر مستبد (AN) / پدر مستبد (AN)، مادر سهل‌گیر (I) / پدر سهل‌گیر (I) و مادر بی‌اعتنا (U) / پدر بی‌اعتنا (U) می‌باشد ($p < /0.1$). همچنین میزان اضطراب در سنخ فرزندپروری مادر بی‌اعتنا (U) / پدر بی‌اعتنا (U) به‌طور قابل‌ملاحظه‌ای بالاتر از میزان اضطراب نوجوانان در سنخ‌های مادر بی‌اعتنا (I) / پدر مقتدر (AV) و مادر بی‌اعتنا (I) / پدر بی‌اعتنا (I) می‌باشد ($p < /0.5$).

جدول ۴. تحلیل واریانس یک‌طرفه برای مقایسه‌ی نمرات افسردگی نوجوانان در ۷ سنخ

فرزندپروری

p	F	میانگین مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	منابع تغییرات
۰/۰۰۱	۹۷/۴۰	۴۶۳۱/۶۰	۶	۲۷۷۸۹/۶۰	بین گروهی
		۴۷/۵۵	۳۰۰	۱۴۲۶۵/۵۴	درون گروهی
			۳۰۶	۴۲۰۵۵/۱۴	مجموع

نتایج حاصل از تحلیل واریانس یک‌طرفه جهت مقایسه‌ی نمرات افسردگی نوجوانان نشان می‌دهد که بین گروه‌های مورد بحث، تفاوت معناداری وجود دارد ($p < /0.1$; $F_{(6,300)} = 97/40$). لذا جهت مقایسه‌ی میانگین‌ها از آزمون تعقیبی شفه استفاده شد. یافته‌های حاصل از آزمون تعقیبی شفه نشان داد که میزان افسردگی نوجوانان در حالتی که خانواده دارای سنخ فرزندپروری مادر مقتدر (AV) / پدر سهل‌گیر (I)، مادر سهل‌گیر (I) / پدر مستبد (AN) و مادر بی‌اعتنا (U) / پدر سهل‌گیر (I) می‌باشد ($p < /0.1$). هم‌چنین میزان افسردگی در نوجوانان سنخ فرزندپروری مادر سهل‌گیر (I) / پدر مقتدر (AV) به‌طور معناداری کمتر از میزان افسردگی در نوجوانان سنخ فرزندپروری مادر سهل‌گیر (I) / پدر سهل‌گیر (I) و مادر بی‌اعتنا (U) /

پدر بی‌اعتنا (U) می‌باشد ($p < /0.1$). سهل‌گیری هر دو والد (مادر(I)/ پدر (I)) به طور معناداری پیامدهای بهتری را نسبت به زمانی که هر دو والدین بی‌اعتنا هستند، دارد؛ یعنی مادر بی‌اعتنا (U) / پدر بی‌اعتنا (U) باشد، به دست می‌دهد ($p < /0.5$). در نهایت اینکه بی‌اعتنایی هر دو والد (مادر(U)/ پدر (U)) نسبت به سایر سنخ‌های فرزندپروری (مادر(AV)/ پدر (AV)، مادر(AV)/ پدر (AN)، مادر(AN)/ پدر (AN)، مادر(I)/ پدر (AV) و مادر(I)/ پدر (I)) به طور معنی‌داری افسردگی بیشتری را در نوجوانان ایجاد می‌کند.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر، به بررسی تأثیر ترکیب سبک فرزندپروری پدر و مادر بر اضطراب و افسردگی نوجوانان پرداخته است. انتظار می‌رود برخی سنخ‌ها، پیامدهای مطلوب‌تری را در نوجوانان ایجاد کنند. برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهد داشتن حداقل یک والد مقتدر، پیامدهای بهتری را برای فرزندان خانواده به دنبال دارد (سیمونس و کونگر، ۲۰۰۷؛ گریچ و کینسفوگل، ۲۰۱۰). در این پژوهش نیز بهترین پیامدها - یعنی کمترین میزان اضطراب و افسردگی - مربوط به نوجوانان خانواده‌هایی است که دو والد مقتدر دارند و پس از آن، خانواده‌هایی هستند که حداقل یک والد مقتدر داشته باشند (برادفورد، باربر، اولسن، مگسن، اریکسون و وارد، ۲۰۰۳؛ سانجا، کریستل، لانی و دورت، ۲۰۱۰؛ سیفی و کلانتری، ۱۳۹۰). با مرور نتایج پژوهش‌های پیشین می‌توان گفت اقتدار، حاصل محبت و کنترل همزمان است. شاید علت پیامدهای مثبت اقتدار برای نوجوانان این باشد که فرزندان، کنترل بالا به همراه محبت بالا را نشانه‌ی اهمیت و رسیدگی والدین

1. Grych & Kinsfogel

2. Bradford , Barber , Olsen , Maughns , Erickson , Ward

3. Sanja, Christel, Lannie & Dorret

می‌دانند (چائو، ۱۹۹۴؛ به نقل از سیمونس و کانگر، ۲۰۰۷). نتیجه‌ی دیگر پژوهش آن است که داشتن دو والد آزادگذار یا سهل‌گیر نیز به اندازه‌ی داشتن یک والد مقتدر در کاهش اضطراب نوجوانان مؤثر است. این مسأله‌ی می‌تواند به این دلیل اتفاق بیفتد که شیوه‌ی فرزندپروری سهل‌گیر، حاصل محبت بالا و کنترل پایین است که به نوعی پذیرش بی‌قید و شرط نوجوان از طرف والدین است؛ ضمن اینکه کنترل پایین از سوی والدین بهترین هدیه به نوجوانی است که در جستجوی استقلال است. یافته‌ی دیگر پژوهش حاضر، میزان بالای اضطراب در نوجوانانی است که دارای پدر و مادر هر دو بی‌اعتنا می‌باشند؛ در تبیین این یافته می‌توان گفت نوجوان دختر بدون دریافت محبت والدین و اعمال کنترل از سوی خانواده، احساس رهاشدگی و معلق بودن می‌نماید و پناهگاه امنی برای زمان‌های بحرانی نمی‌یابد، لذا اضطراب بیشتری را تجربه می‌کند. خانواده‌های دارای یک والد بی‌اعتنا نیز نسبتاً نمرات بالایی در اضطراب به دست می‌آورند. اثرات منفی زمانی بیشتر است که مادر بی‌اعتنا باشد.

همچنین یافته‌ها نشان داد که میزان پایین افسردگی نوجوانان دختر دارای هر دو والد مقتدر می‌باشد. این نوجوانان به طور معناداری کمتر از سنخ‌های مادر سهل‌گیر/پدر مستبد، مادر سهل‌گیر/پدر بی‌اعتنا، مادر بی‌اعتنا/پدر سهل‌گیر، مادر بی‌اعتنا/پدر بی‌اعتنا افسردگی را تجربه می‌کنند. همچنین بر اساس یافته‌ها، نوجوانان دارای دو والد سهل‌گیر پس از سنخ دو والد مقتدر کمترین میزان افسردگی را گزارش می‌کنند. این سنخ نسبت به سنخ‌های مادر سهل‌گیر/پدر بی‌اعتنا، مادر بی‌اعتنا/پدر سهل‌گیر، مادر بی‌اعتنا/پدر بی‌اعتنا به طور معناداری افسردگی پایین تری را در نوجوانان تبیین می‌کند. شاید بهترین توجیه برای این رویداد، مسئله‌ی هماهنگی شیوه‌های پدر و مادر در برخورد با فرزندان باشد؛ به شرط آن که سبک مورد استفاده‌ی هر دو والد، مقتدر یا سهل‌گیر باشد و نه اینکه

هر دو مستبد یا بی‌اعتنا باشند. پس می‌توان گفت هرگاه نوجوانان از طرف والدین، محبت و توجه کافی را دریافت نکنند و با بی‌اعتنایی یک یا هر دو والد مواجه شوند، احساس ارزشمندی خود را از دست می‌دهند. عاملی که برای افسرده شدن یک نوجوان بسیار اساسی می‌باشد، داشتن دو والد بی‌اعتنا (سنخ مادر بی‌اعتنا / پدر بی‌اعتنا) است که بالاترین میزان افسردگی را برای نوجوانان به همراه دارد. این میزان، به طور معناداری بالاتر از میزان افسردگی نوجوانان در تمام سنخ‌های دیگر است. این تفاوت حتی نسبت به سنخ‌هایی که یکی از والدین بی‌اعتنا و دیگری سهل‌گیر است نیز معنادار می‌باشد.

دو نکته‌ی اساسی در این یافته وجود دارد: نخست آنکه بی‌اعتنایی که حاصل محبت و کنترل پایین است و حامل پیام بی‌ارزشی و دوست داشتنی نبودن نوجوان است، رفتار پرخطری از سوی والدین است که فرزندان را در معرض افسردگی، اضطراب و شاید پیامدهای منفی دیگر قرار می‌دهد؛ نکته‌ی دوم که پاسخ یکی از سؤال‌های این پژوهش است، اینکه سنخ فرزندپروری، ترکیب فرزندپروری والدین است که اتخاذ روش بهتر توسط یک والد می‌تواند نقص روش والد دیگر را تا حدودی پوشش دهد، به شرط آنکه سبک‌های فرزندپروری پدر و مادر در تعارض آشکار نباشد. بنابراین می‌توان گفت سنخ‌های دربرگیرنده‌ی سبک مقتدر که محبت و کنترل را در سطح بالایی برای فرزندان فراهم می‌کند و سنخ دو والد سهل‌گیر که دربرگیرنده‌ی سطوح بالای محبت است، بهترین پیامدها را [البته در زمینه‌ی اضطراب و افسردگی] برای نوجوانان به همراه دارد. همچنین هماهنگی پدر و مادر در شیوه‌ی فرزندپروری به شرط آن که هر دو بی‌اعتنا یا مستبد نباشند، نتایج مطلوبی را برای نوجوانان به همراه دارد.

به طور کلی از نظر روانشناختی، مهمترین تحولاتی که در نوجوان رخ می‌دهد عبارت است از: استقلال طلبی، دوست‌یابی، افسردگی و اضطراب. شیوه‌هایی که

والدین در تربیت فرزندان خود به کار می‌گیرند، نقش اساسی در تأمین سلامت روان فرزندان آن‌ها دارد. در سایه‌ی ارتباط سالم است که می‌توان نیازهای فرزندان را شناخت و نسبت به تأمین و ارضای آن همت گماشت. همان‌گونه که اشاره شد، هر یک از این شیوه‌ها اثراتی بر رفتار کودکان دارد که در این میان اثرات مخرب و منفی شیوه‌های نافرمانی و مستبدانه بیشتر است. آنچه اهمیت دارد این است که بهترین شیوه‌ی فرزندپروری، شیوه‌ی مقتدرانه است که والدین در عین گرم و صمیمی بودن با فرزند خود، کنترل‌کننده و مقتدر هستند. این شیوه، به فرزندان کمک می‌کند تا با مسایل دوره‌ی نوجوانی از جمله افسردگی و اضطراب بهتر مقابله کنند.

از محدودیت‌های اساسی این پژوهش، عدم امکان دسترسی به والدین و عدم امکان استخراج سبک فرزندپروری والدین براساس اظهارات مستقیم آنها بود. همچنین یکی از محدودیت‌های این پژوهش استفاده از طرح علی-مقایسه‌ای بود. بر این اساس پیشنهاد می‌گردد در پژوهش‌های آتی، از طرح تحقیق آزمایشی استفاده شود. بر اساس نتایج، پیشنهاد می‌شود که به نقش اصلی شیوه‌های فرزندپروری دو والد در مشکلات روانشناختی از جمله اضطراب و افسردگی نوجوانان توجه شود و مشکلات ناشی از شیوه‌های فرزندپروری نامناسب از طریق کارگاه‌های آموزشی به والدین تشریح شود.

منابع

- سیفی گندمانی، محمدیاسین، کلانتری، سارا، و فتح، نجمه. (۱۳۸۸). سنخ‌شناسی فرزندپروری خانواده و تأثیر آن بر اضطراب و افسردگی نوجوانان پسر. *مجله‌ی علمی-پژوهشی اصول بهداشت روانی*. ۱۱(۳): ۱۹۴-۱۸۵.
- کاظمی، حمید. (۱۳۸۲). *تحریفات شناختی در بیماران افسرده و اضطرابی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه شیراز، دانشکده روانشناسی بالینی.

کاویانی، حسین، موسوی، اشرف السادات، و محیط، امید. (۱۳۸۰). مصاحبه و آزمون‌های روانی. تهران: نشر ثنا.

کلبعلی، ایراندوخت. (۱۳۷۳). بررسی شیوه‌های فرزندپروری، طبقه‌ی اجتماعی و سبک‌های اسنادی. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی، دانشگاه شیراز، دانشکده علوم تربیتی.

گودرزی، محمدعلی. (۱۳۸۱). بررسی پایایی و روایی مقیاس درماندگی بک. در دانشگاه شیراز. *مجله‌ی علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*، ۲(۳۶): ۲۶-۳۹.

Angela, A. & Andrea, S. (2012). Adverse Events and Substance Use Among Female Adolescent Offenders: Effects of Coping and Family Support. *Journal of Substance Use & Misuse*, 45, 451-472.

Arnett, J. (2000). Emerging adulthood: A theory of development from the late teens through the twenties. *Journal of American Psychologist*, 55, 469-480.

Beck, A.T., & Clark, D. A. (1988). Anxiety and depression: An information processing perspective. *Journal of Anxiety Research*, 1, 23-36.

Bradford, K., Barber, B. K., Olsen, J. A., Maughn, S. L., Erickson, L. D., Ward D, & et al. (2003). A multi- national study of interpersonal conflict parenting and adolescent functioning. *Marriage and Family review*, 35, 107-137.

Bulanda, R, E. (2004). Paternal involvement with children: The influence of gender ideologies. *Journal of Marriage and Family*, 66, 42- 44.

Dornbush, S., Ritter, P., Liederman, P., Roberts, D., & Fraleigh, M. (1987). The relation of parenting style to adolescents school performance. *Child Development*, 58, 1245-1247.

Dyson, R., & Renk, K.(2006). Freshmen adaptation to university life: Depressive symptoms, stress and coping. *Journal of Clinical Psychology*, 62, 1236-1239.

Greaves, K.(2011). Risk indicators of anxiety throughout adolescence: The TRAILS study. *Journal of depression and anxiety*, 28, 485-494.

Hindin, M. (2005). Family dynamics, gender differences and educational attainment in Filipino adolescents. *Journal of Adolescence*, 28, 299-316.

Grych, J. H., & Kinsfogel, K.M. (2010). Exploring the Role of Attachment Style in the Relation between Family Aggression and Abuse in Adolescent Dating Relationships. *Journal of Aggression, Maltreatment & Trauma*, 184, 624-640.

Laibel, D., & Carlo, G. (2004). The differential relations of maternal and paternal support and control to adolescent social competence, self- worth and sympathy. *Journal Adolescent Research*, 19, 778-781.

- Lan-lin Y.(2003). Parent- child interaction and children's depression: The relationship between parent- child interaction and children's depressive symptoms in Taiwan. *Journal of Adolescence*, 26, 453-456.
- Lewis, C., & Lamb, M.E. (2003). Fathers influences on children's development: The evidence from two- parent families. *European Journal Psychology of Education* ,18, 211-277.
- Maccoby E. E., & Martin, J. A. (1983). *Socialization in the context of the family: parent-child interaction*. Handbook of Child Psychology. NewYork: Wiley. 97-101.
- Marilyn, J. Elizabeth, A., Linnea, R., & Paula L. (2011). Influence of early life stress on later hypothalamic–pituitary–adrenal axis functioning and its covariation with mental health symptoms: A study of the all static process from childhood into adolescence. *Journal of Relationships Research*, 23,128-136 .
- Marsiglio, W., Amato, P., Day, R.D., & Lamb, M.E. (2000). Scholarship on fatherhood in the 1990s and beyond. *Journal Marriage and Family*, 62, 1173-1193.
- Mckinney, C., & Renk, K. (2008). Differential Parenting between Mothers and Fathers: Implications for Late Adolescents. *Journal of Family Issues*, 29, 806-827.
- Boer O. E., & Tranent, P. J.(2013). Conceptualising the Relationship between Maternal Parenting Style and Adolescent Self-Esteem: A Pragmatic Approach. *Journal of Relationships Research*, 123, 425–435 .
- Renk, K., Robert,s R., Roddenberry, A., Luick, M., Hillhouse, S., & Meehan, C.(2003). Mother, fathers gender role and time parent spend with their children. *Sex Roles*, 48, 305-315.
- Sabattini, L., & Leaper, C.(2004). The relation between mother's and father's parenting styles and their division of labor in the home: Young adults' retrospective reports. *Sex Roles*, 50, 217-225.
- Sanja, M., Christel, M., Lannie, M., & Dorret, I. (2010). Childhood and Adolescent Anxiety and Depression: Beyond Heritability. *Journal of the American Academy of Child & Adolescent Psychiatry*, 49, 820–829.
- Shucksmith, J., Hendry, L.B., & Glendinning, A. (1995). Models of parenting: implications for adolescent well-being within different types of family context. *Journal of Adolescence*, 18, 253-270.
- Simons, L.G., & Conger, R. D. (2007). Linking Mother-Father Differences in Parenting to a Typology of Family Parenting Styles and Adolescent outcomes. *Journal of Family Issues*, 28, 218-222.
- Steinberg, L., Lamborn, S., Dornbush, S., & Darling, N. (1994). Over- time changes in adjustment and competence among adolescents from authoritative, authoritarian, indulgent and neglectful families. *Child Development*, 65, 758-763.